مجدداً فهرست شد
در گنجینه معانی

میکروفیلم تهیه شد

کتابخانه آستان قدس

اسم کتاب: ترجمان اللغة — فارسی

مصنف / مؤلف: شیخ علی بن نصرة بن داود

خطی / چاپی: نسخ ۱۷ سطری

سال طبع یا تحریر: — عدد اوراق: ۱۰۹۷

جزء کتب: لغت شماره: ۵

شماره عمومی: ۳۶۴۸ شماره قبض:

واقف: اشرف السلطنه تاریخ وقف: ۱۳۳۴

طول ۳۴ عرض ۲۲ سانتیمتر قفسه

مثال ۱۳۴۸ خورشیدی
بازبینی شد

آفت زدائی شد
تاریخ

شناسنامه آسیب شناسی

نسخه شناسی	عنوان	ترجمان اللغه			
	درجه نفاست	نفیس			خطی ✓ / چاپ سنگی
	تعداد اوراق	۱۰۹۷	اندازه		۳۴×۲۲
	قطع	رحلی	شماره اموالی		۳۶۴۸
آسیب شناسی و اقدامات مرمتی	درصد تخریب اوراق	۱۰ / ۲۰ / ۵۰ / ۸۰	از هم پاشیدگی عطف		دارد / ندارد ✓
	نیاز به جعبه	دارد / ندارد ✓	نوع آفت		شیمیایی / زیستی / فیزیکی
	نیاز به جلد سازی	دارد / ندارد ✓	نیاز به مرمت جلد		دارد ✓ / ندارد
	نیاز به مرمت اوراق	دارد / ندارد ✓	نیاز به دوخت عطف		دارد / ندارد ✓
	نیاز به لکه گیری	دارد / ندارد ✓	نیاز به گردگیری		دارد / ندارد ✓
	نیاز به آفت زدایی	دارد / ندارد ✓	نیاز به اسیدزدایی		دارد / ندارد ✓

بررسی کنندگان: ۱. فرهمند - افقه ۲. ۳.

تاریخ بررسی: ۹۲/۲/۹

اقدامات انجام شده:

تاریخ اقدام:

۱۰۹۷ | در تا

در بین ۵ ورق سفید دارد

هو

وقف

الوقف علی الضمان

وقف مؤبد و حبس مخلد شرعی نمود حضرت مستطاب اجل عالی آقای حاجی سید حسین نایب التولیه دام

مرحوم مغفور نواب علیه عالیه اشرف السلطنه طاب ثراها این یکجلد کتاب ترجمان اللغه را با انضمام یکصد و کاه جلد

برکتابخانه مبارکه رضویه علی صاحبها آلاف الثناء والتحیه که عموم مؤمنین و مسلمین از مطالعه آنها منتفع و بهره‌مند گردند

و واقفه معظمه را بدعای خیر یاد و شاد نمایند شرط و مقرر اینکه از شهر مشهد ارض اقدس بیرون نبرند و کمال

محافظت را در ضبط و حفظ آنها نموده بدون قبض بکسی نه دهند و زیاده از سه ماه در خارج

کتابخانه مبارکه نگاه ندارند و تولیت آنها را در هر عصری از اعصار بمتولی باشی کتابخانه فیض آثار

مفوض نمودند وقفاً صحیحاً شرعیاً بحیث لایباع ولا یوهب ولا یرهن فمن بدله بعد ما سمعه

فانما اثمه علی الذین یبدلونه ۳ شعبان المعظم ۱۳۳۴

از طرف کمیسیون اصلاحات آستان قدس رضوی ثبت شد
بتاریخ ۳ شهر جمادی الثانی ۱۳۳۴
نمره سلسله کتاب ۴۴۳

بازبینی شد
۱۳۵۳

سال ۱۳۴۸ خورشیدی
بازبینی شد

کتابخانهٔ آستان قدس
ویژه ملی

بسم الله الرحمن الرحیم ء آ بتقدیم همزه بر الف حرف نداست نزد اخفش و کوفیان برای
و ابن عصفور گفته که برای ندای قریب است مانند
همزه مفتوحه که سابق مذکور شد و از سیاق کلام صاحب
قاموس موافق ابن عصفور مفهوم میگردد که ا ازید را به
ازید تفسیر کرده و جوهری گوید ء ا بتقدیم همزه بر الف
نیز نام اول حروف هجی است و چون ممدود کنند ا ا ء
خوانند بر تنوین و همین حکم است باقی حروف هجی را مانند
یا جا آ ء ثمر درختی است ا ء ه بکسر واو از با حکایت آن و کلمه
که بدان شتران را زجر کنند و نیز آ ء نخستین حرف هجاست
و مد و قصر در آن جایز است اما چون عدد دراند منون
خوانند و همین حال دارد و سایر حروف هجا و ازید بمعنی
ازیدست ا ء بتقدیم الف بر همزه حرف ثانیث است
مانند الف حبلی و او در آخر اسماء لاحق شود داء من
المرء اسمها سره کردانیدم او را ائیم حمراء وهذا العمر ء
ممدود خوانند چنانچه الف حبلی را الف مقصوره سوا

کتابخانهٔ آستانهٔ قدس ۴

آنچه مذکور شد کلمهٔ یافت نشد که اول و ثانیش همزه
اصلی باء و همزه اصلی بود وابی و ابیان لغت است
از اباء ابون و اباة و ابی و ابی اباء و ابیون و ابیان جمع
و نیز اب نام ماه یازدهم از سال رومیان و ابك و
كك یعنی هلاك باد ترا چون وبلك كعده رسوای
وننك و شرم توئه كهمزه مثله یقال كلح فلان في امه
قال ابو عمرو تعذی عندی ابی مرخ یده فقلت
له ادد فقال باطعامك یا ابا عمرو بطعام توتة ای بطعام
یستحیا من اكله واصل التاء واو و نیز اب لغه فی واب
بمعنی پدر باشد واصل هردو ابو بود واو در لغه
اول هفتاد و در ثانی بدل شد با لف و هرگاه تثنیه
بنا كنند واو محذوف عود كند كویند ابوان یعنی پدر
و مادر و هم چنین است در نسبت كنیه ابوی بر دكردن
واو محذوف و بعض در تثنیه واو نیاورند و كویند آبان
و اباء و ابون و ابوه جمع آن است مثل عمومه و خوله
یعنی عمان و خالان و در حال اضافت لفظ اب بسوی
یای متكلم ابی كویند و كاهی یای متكلم را در نداتبای

سال ۱۳۴۸ خورشیدی
بازبینی شد

فی یوح یوح قال ذکره اللیث ولم یفسره وقال لم یجئ علی
غایتها غیر یوم فقط یؤس کندس نومید یوسف
بهر سه حرکت در سین وگاهی مهموز هم آید نام نبی است
که پسر یعقوب بن اسحق بن ابرهیم بود ونام دو صحابی
یوصی مرغی است بعراق بالان دراز تر از بال باشد
وهو خبث صدا او هو الخرب یوله ونام جد احمد بن محمد
مهنتی یوم روز ایام جمع اصله ایوام فادغم قال الاخفش
فی قوله تعالی اسس علی التقوی من اول یوم ای من اول
الایام کما یقول لقیت کل رجل ای کل الرجال ویوم ایوم
تاکید است یعنی روز سخت یا روز اخر ماه یوم ذوایام
کذلک وایام الله نعمتهای خدای تعالی یوم سح یوم یوما
یعنی روز بروز گردید یوم عین روزی از روزهای عرب که
دران روز کشته شد منذر بن ماء السماء اماغ یاب البون یون
کوهی است بیمن یونش دهی است ببعلبک ودهی دیگر
میان برذعه بیلقان یونان گروهی بود گذشته یونا بیون
بتثلیث نون وگاه مهموز آید نام پیغامبری یونس کعصور
نومید یوس کسحی کوهی نامی است که یوبان از اهل ساوه

وقف کتابخانه مبارکه رضویه

منسوب اند بوی واز ایشان است نصر بن احمد یوئی که
سقی از وی نقل کرده یویو مرغی است شکاری شبیه
باشه یا جمع بهر بالفتح وبحر جای فراخ تابان و
سپید بهوف ذو بهر محرکه وتد شکن پادشاهی بود
مرحمیر را بهلون کیعقوب بد دل یا تیز خاطر وکول وزمین
بی آب وگیاه بهر کیعقوب وهول کجحف لغة فی هول
بهاء محرکه دیوانگی بهور کصحراء دشت بی پایان بیراه
وبی نشان وسال سنگ سخت تلخ کننده زیست مردم را
بهود کیعقوب بسیار سخن بیهوده درای ودلیر بسیار
یهود جهودان وهو جمع یهودی مثل زنجی وزنج
وانما عرف علی هذا الحد فجمع علی قیاس شعرة وشعر ثم
عرف الجمع بالالف واللام ولولا ذلک لم یجز دخول الالف
اللام علیه لانه معرفة مؤنث فجری فی کلامهم مجری قبیلة
ولم یجعل کالحی ویجمع یهود علی یهدان ونام برادر یوسف
یهودی در لغة یهود مذکور است یهودی یهودی
یهیا کلمه ایست که شبانان بدان خوانند یا زجر کنند
یهتیر سنگ سخت یا سنگی است شبیه بکف دست

کتابخانه آستان قدس
بازبینی شد ۱۳۷۱ ش